زندگی سلام
ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
•چهارشنبه•۹آبان۱۳۹۷•شماره۱۱۷۵

دنیا به روایت تصویر

گاردین| طبیعت پاییزی بلژیک

فرانس پرس| برداشت میوه شاه بلوط آبی، پاکستان

گتی ایمیج| عبور غیرقانونی مهاجران از مرز مکزیک و آمریکا

حدیث روز

پیامبر اکرم(ص): پس از خوردن غذا خلال کنید که مایه سلامتی دهان و دندان های آسیاست و روزی را بر بنده فرو می ریزد.
مکارم الاخلاق

ذکر روز چهارشنبه
صد مرتبه «یا حی یا قیوم»

در محضر بزرگان

آرامش زندگی‌ات باش

حجت‌الاسلام حسینی قمی در بحث وظایف مشترک زن و شوهر گفته‌اند:
مهم‌ترین وظیفه مشترک زن و شوهر این است که کاری کنند تا کانون خانواده محل آرامش باشد. اگر زندگی مشترک موجب آرامش و آسایش زن و مرد باشد، آنان به مهم‌ترین هدف‌شان رسیده‌اند. خداوند در آیه ۲۱ سوره روم می‌فرماید: «و از نشانه‌های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.» نکته لطیفی که در این جا باید مورد توجه قرار بگیرد این است که خداوند متعال قرار دادن همسرانی را که موجب آرامش هستند، در کنار آیاتی چون خلقت آسمان‌ها و زمین به عنوان نشانه عظمت و قدرت بیان می‌کند. **تارنمای سمت خدا**

کاریکلماتور

سید مصطفی صابری

* از بیکاری خودش را با کلاه سرگرم می‌کرد.
* با رفتار پر فراز و نشیبش، چند بار در قلبم را وابسته کرد.
* سر قولم آن چنان ایستادم که برای انجامش نرفتم.
* تلویزیون خبر از لالایی داد تا به خواب غفلت برویم.
* دیوانه رفتار عاقلانه‌اش شدم.

حکایت

شکر خالق به جای مخلوق

فقیری زبان به شکر امیری باز کرده بود و بیهوده گفتن آغاز نهاده که: روزگاری خدا به بلای فقر مبتلا کرد و عاقبت خداوندم[اربابم] از آن بلا رهانید. صاحبدلی این سخن بشنید و گفت: «زهی بی شرم که فقر را به خدا نسبت دهد و غنا را به بنده. عسر و نقمت را از خالق داند و یسر و نعمت را از مخلوق.»
هر گناهی که خود کند جبری
همه را از خدای داند و بس
ور از او خیری اتفاق کند
بر گشاید به شکر نفس نفس
برگرفته از کتاب «پریشان» اثر قاآنی

بریده کتاب

وجدان فکری جامعه

همواره با این تجربه روبه‌رو می‌شوم و هر بار هم سعی می‌کنم که آن را انکار کنم، به‌رغم وضوح و روشنی اش نمی‌خواهم آن را باور کنم؛ این که اغلب مردم فاقد وجدان فکری هستند. بسیاری از اوقات حتی فکر کرده‌ام که اگر دارای این وجدان باشیم حتی در داخل شلوغ ترین شهرها خود را تنها و میان بیابان حس می‌کنیم. هر کس به شما به چشم بیگانه ای نگاه می‌کند، ترازوی خود را به کار می‌اندازد و این یکی شما را بد و آن یکی شما را خوب می‌نامد؛ هیچ کس از این که به او بگویید و زنه‌های ترازویش تو خالی است، از شرم سرخ نمی‌شود.
برگرفته از «حکمت شادان»
اثر فریدریش نیچه

قرارمدار

اندکی صبر

فاصله من با تو

علیرضا روشن

زیبایی ات
کوهستانی ست که
فقط از دور دیده می شود
برای دیدن تو
باید از تو فاصله گرفت

خاطرات پیک موتوری

نذر اربعین

ناصر علیرضایی

چند روز پیش یکی از مسافرانم را که مرد محترمی است، به محل کارش رساندم. در راه برایم گفت که امسال هم مثل سال‌های قبل برای اربعین قصد دارد «شله» نذری بدهد و ادامه داد: «کمی نگرانم چون بیشتر پس‌انداز م رو برای معالجه پدرم خرج کردم، از طرفی حبوبات و گوشت هم خیلی گران شده. نمی‌دونم چه پیش میاد و لی امیدوارم خود آقا سیدالشهدا(ع) لطف‌شون رو از ما دریغ نکنن.»
چند روز بعد همان آقا تماس گرفت و با خوشحالی گفت: «شکر خدا به لطف ائمه(ع) پول نذری امسال جور شده. فقط زحمتش با شما، پول نقده، برو از آدرسی که برات پیامک می‌کنم تحویل بگیر و بیار.»
در مسیر با خودم به لطف همیشگی اهل بیت(ع) فکر می‌کردم. آدرس دور نبود و راحت پیدا کردم. زنگ زدم و چند لحظه‌ای طول نکشید که پیرمردی کوتاه قد با عرقچین و بالاپوش سفید در را باز کرد. پس از سلام و علیک گفتم: «برای گرفتن پول نذری آمده‌ام، از طرف فلانی.» پیرمرد لبخندی زد و گفت: «چشم، الان برمی‌گردم» و بعد از مدتی با یک پاکت کوچک برگشت. رویش نوشته بود «نذر اربعین». پاکت را گرفتم و سریع برگشتم.
بسته را تحویل آن آقا دادم و در حال گفت‌وگو بودیم که تلفن زنگ زد. حاج آقا گوشی را برداشت و پس از احوال‌پرسی به خاطر پاکت تشکر کرد. اما ناگهان ساکت شد و با تعجب گفت: «چی؟! پیک هنوز نیامده؟! مگه این پاکت رو شما نفرستادید؟... باشه تشریف بیارید، منتظرم، یا علی» و گوشی را گذاشت. پرسید: «مگه به این آدرس نرفتی؟» من که گیج شده بودم پیامک را نشان دادم. گفت: «ای بابا، ببخشید من پلاک رو اشتباه زدم. باید می‌رفتی پلاک ۴۱»
نیم ساعتی گذشت تا دوست حاج آقا آمد، با پاکتی دیگر و گفت: «دیدم پیک شما نیامد، گفتم شاید فراموش کردین...» حاجی گفت: «زحمت بکش و برو به همان پلاک ۴۰ و این پول‌ها را برگردان». سریع راه افتادم. وقتی رسیدم دوباره همان پیرمرد در را باز کرد. قضیه را گفتم و این که اصلا قرار بوده زنگ پلاک ۴۱ را بزنم و به اشتباه... پیرمرد خندید و گفت: «این پاکت رو برگردون به همون دوستت. یک ساله که این پول به تدریج جمع شده و نذر کرده بودم برای اربعین سیدالشهدا(ع) خرجش کنم اما نمی‌دونستم به کی بدم چون خودم توان این کارها رو ندارم. با خودم گفتم خود آقا یکی رو می‌فرستن تا این که امروز شما آمدید! خدا از همه قبول کنه...»
برگشتم و موضوع را به حاج آقا گفتم. هر دو منقلب شده بودیم. حاج آقا از همان پول‌ها حق الزحمه من را هم داد و گفت: «اینو بگیر، این پول از دست خود آقاست، حتماً برکت داره».

منتخب‌های چی شده

تصویر دیده نشده‌ای از ژاوی پای اخبار!

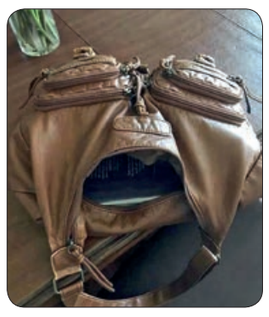

سلام. با تشکر از استقبال تون از این مسابقه، فکر نمی کردیم این عکس بی ربط این قدر طرفدار داشته باشه! و ممنون از همه دوستانی که درست و طبق روش گفته شده تو مسابقه شرکت کردن. پیامک های بی ربط و بی نام و بی مزه متاسفانه حذف شدن. چندتا از جمله های بانمک تر رو انتخاب کردیم که می خونید. دمتون گرم و خوش باشین همیشه.

*وقتی آدم از کشتن روباه و ساختن کیف از پوستش گریه اش نمی گیره، ولی خود کیف گریه اش می گیره!
سید حسین آروند
*وقتی یه کیف، زیاد از خودش تعریف می کنه و نمی بنده اون زیپ دهنش رو!
سید حسین آروند
*وقتی کیفت از بی پولی آه می کشه. **حمیدرضا دُرمحمدی**
*وقتی تو این اوضاع گرونی شوهر عزیزتون موبایل عزیزتر از جونش رو انداخته تو توالت!
*وقتی کیفت فهمیده از افتادن سینی چای جلوی خانواده خواستگارت خجالت کشیدی و دهن باز کرده تا بری توش! **محترم درودی**
*وقتی آخر ماه دخترم از مدرسه میاد و قبض اجباری کمک به دبستانش رو میده دستم و پولی تو کیف نمانده! **محمدباقر ذوالفقاری**
*وقتی این روزها حتی باید به کیفت هم باج بدی تا تورو نخوره! **امید ذاکری رودی**
*وقتی این قدر این روزها همه از گرونی حرف می‌زنند که هر کاری می کنم نمی تونم دهن کیفم رو ببندم! **امید ذاکری رودی**
*وقتی جیغ کیفت در می آید که تو که نه پول داری، نه تلفن همراه آن چنانی، نه کارت بانکی پر، پس من را با این هیکل با خودت بیرون می بری چکار؟! **فرامرز خراشادیزاده**
*وقتی سوت بازی السدو پرسپولیس زده شد و زاوی هرناندز با ساک ورزشی خود رو به رو شد! **عرفان ربیعی**
*وقتی می شینی جلوی تلویزیون تا بشنوی دلار ارزون شده ولی می فهمی همه چیز بدتر از روز قبله! **زهره شیخ**
*وقتی آدم ها حواس شون نیست که دل همدیگه رو دارن می شکنند.
وحید علی آبادی، نیشابور

دیدنی‌ها

عکس‌های خاصی که فتوشاپ نیستند!

اینترنت پر از عکس‌ها، فیلم‌ها و طرح‌هایی است که تا قبل از آن شما فکر می‌کنید همه موارد خاص را دیده‌اید، که ناگهان با موارد جدیدی روبه‌رو می‌شوید! این عکس‌ها ساختگی و به اصطلاح فتوشاپ نیست و توسط کاربران برای سایت ارسال شده است. پس از دیدن شان لذت ببرید.
منبع: بابامیل

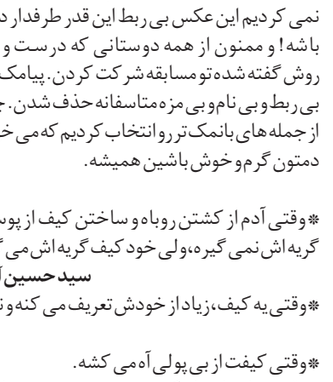

نقطه شروع یک رنگین کمان

تصویر نزدیک پوست دست پس از حمام

خارق العاده‌ترین آسمانی که تا حالا دیده اید

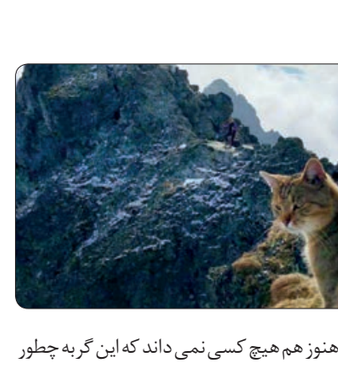

عنکبوتی که این تارها را تنیده ریاضی دان است!

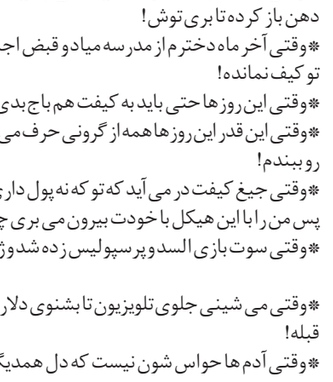

پشت پرده سینما

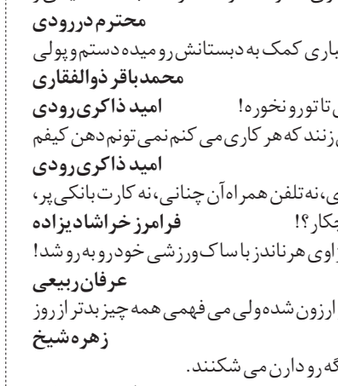

فیلی که با فیل دیگر شسته می شود!

چند بالکن دیدنی در یک قاب

وقتی باران باعث سبز شدن چمن روی گوسفند می شود!

یادبود

به مناسبت هشتم آبان
سالگرد شهادت حسین فهمیده

سیزده نوبهار سنش بود
نوجوان و دلیر و ورزیده
جانفدا از برای میهن شد
آفرین بر حسین فهمیده

یار محمد خدنگی

دور دنیا

توانایی عجیب پسر ژاپنی

آدیتی سنترال- «کارین» پسر جوان ژاپنی، ویدئویی را از توانایی جالبش در توئیتر منتشر کرده است که ده ها هزار بار توسط افراد مختلف به اشتراک گذاشته شده است و بیش از ۴۵۰ هزار نفر آن را پسندیده اند. او در این ویدئو با استفاده از پودر صابون بسیار کمی که در کف دستانش می ریزد، یک کف صابون بزرگ تولید می کند. او به طریقه خاصی دستانش را به هم می مالد تا این کف عظیم را ایجاد کند!

طراحی شگفت انگیز بطری های آلومینیمی

آدیتی سنترال- «نوآدلددا»، هنرمند آمریکایی، عکس هایی را از بطری های استوانه ای شکل آلومینیمی که معمولا برای نوشیدنی استفاده می شود، در اینستاگرامش منتشر کرده است. آن چه این بطری ها را از بطری های دیگر متمایز می کند شکل عجیب هندسی آن هاست که بسیار دقیق روی آن ها نقش بسته است، اما این هنرمند این اشکال را بدون استفاده از هیچ گونه ابزاری و تنها با انگشتانش روی بطری طراحی می کند. او سال هاست برای تبدیل این بطری های معمولی به آثار هنری تلاش و تمرین می کند.

گربه خانگی کوه نورد

آدیتی سنترال- یک کوه نورد لهستانی وقتی مرتفع ترین کوه کشورش را بالا رفت، با صحنه عجیبی رو به رو شد. یک گربه خانگی در بالاترین نقطه کوه در حال لیسیدن موهایش، منتظر او بود! او برای این که به همه ثابت کند این صحنه عجیب را دیده است، از این گربه که در ارتفاع ۲۵۵۰ متری کوه «ریسی» ایستاده بود، فیلم و عکس های زیادی گرفت. هنوز هم هیچ کسی نمی داند که این گربه چطور این ارتفاع را بالا آمده است.

پرتره انسانی

آدیتی سنترال- اگر به جدیدترین پرتره هنرمند فرانسوی Craig Alan نگاه کنید، احتمالا فکر می کنید که از نقطه های کوچکی روی بوم نقاشی تشکیل شده است اما این نقطه های کوچک در واقع آدم هایی هستند که روی زمین فیگور گرفته اند تا یک پرتره بزرگ شکل بگیرد. این پرتره فقط با استفاده از تصاویر هوایی قابل دیدن است. این هنرمند اولین بار وقتی با بالگرد از روی ساحل عبور می کرد متوجه شد که طرز قرار گرفتن مردم در ساحل شبیه اشکال جالبی مثل چشم انسان است و تصمیم گرفت این پرتره را با کمک مردم بسازد.

تفأل

ای شاهد قدسی که کشد بند نقابت
وای مرغ بهشتی که دهد دانه و آبت
خوابم بشد از دیده در این فکر جگرسوز
کاغوش که شد منزل آسایش و خوابت

از اون لحاظ

در فصل سرما حواسمان به همنوعانمان باشد

محمدامین فرشادمهر |طنزپرداز

چه خوب است با سرد شدن هوا، کمی بیشتر به فکر همنوعان خودمان باشیم. مثلا چند روز پیش وقتی سوار ماشین شدم و خواستم راه بیفتم، یک بنده خدایی از زیر ماشین بیرون پرید و شروع به داد و فریاد کرد. گفتم: «جانم؟» گفت: «مرد حسابی نشنیدی می گن تو فصل سرما قبل از سوار شدن دو تا لگد به ماشین‌تون بزنید؟» گفتم: «واسه گربه نبود این داستان؟» گفت: «فقط گربه‌ها آدمن؟ ماها تو له سگیم؟!» گفتم: «نه آقا چرا طبقه‌بندی موجودات رو نابود می کنی؟ چیزی‌تون که نشده؟» گفت: «چی می‌خواستی بشه، تو این سرما دلم شکسته!» خلاصه با ناز و نوازش سوارش کردم و یک شیر کاکائوی داغ نیز برایش خریدم و گفتم: «اگه امر دیگه‌ای نیست من برم؟» گفت: «ببین یه چیزی می گم خیلی در خور تامله.» گفتم: «چی؟!» گفت: «چه خوب است با سرد شدن هوا، کمی بیشتر به فکر همنوعان خودمان باشیم.» گفتم: «ادای من رو در میاری؟!» گفت: «نه جون تو جدی میگم؛ مثلا من حس می کنم تَه اون خیابونه یه بنده خدای دیگه هم مث من تو سرما گیر کرده؛ چه خوب است به فکر همنوعمان باشیم.» چند ثانیه سکوت کردم و گفتم باشه بریم. به انتهای آن خیابان که رسیدیم گفتم: «این جا که کسی نیست.» گفت: «باید باشه، یه لحظه وایسا.» سپس یک سوت زد و فردی با یک آچار چرخ از زیر یکی از ماشین‌ها بیرون آمد و نزدیک‌مان شد. او در حالی که سریع سوار ماشین می‌شد، گفت: «گاز کش برو فقط!» گفتم: «کجا؟» گفت: «شیر کاکائو دیگه!» از آینه و با تعجب به او نگاه کردم. گفت: «چه خوب است با سرد شدن هوا، کمی بیشتر به فکر همنوعان...» پریدم وسط حرفش گفتم: «باشه باشه، فقط این جمله مزخرف رو نگو!» وقتی نفر دوم هم شیر کاکائویش را خورد و مجدد سوار ماشین شدیم، آدرس محل دیگری را این بار در حاشیه شهر دادند. در راه هم هر دو حسابی از من تشکر کردند و گفتند مدت هاست کسی را در این حد جوانمرد و درستکار ندیده بودند. آن ها همچنین اصرار داشتند که حتما تا یکی دو ساعت آینده یک خبر بسیار خوب می‌شنوم.
یکی دو ساعت بعد روی صندلی انتظار کلانتری نشسته بودم که سربازی بدو بدو به سمتم آمد و گفت: «برو ببین چه کار خیری کردی که هنوز به ساعت نگذشته ماشینت پیدا شد؛ اون دوتا سارق که با آچار چرخ زدن تو سرت فقط چرخ‌ها رو بردن و ضبط و سرسیلندر و رادیات و میل لنگ و جعبه دنده‌ات رو، همین!» و من فهمیدم که همنوع با همنوع خیلی فرق دارد!

یادش به خیر

ما و شما

راه ارتباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

* مطلب و کیل مدافع باران از آقای مصطفی صابری، بسیار تأمل برانگیز بود. واقعیاتی که بی تفاوت از کنارش رد می شدم و هیچ توجهی بهش نمی کردم. تلنگری بود برای روح زنگار گرفته من. سپاس گزارم.
مسعود مجنونپور
* همسر عزیزم سودابه جان، دوستت دارم، امیدوارم در کنار هم روزهای خوبی داشته باشیم.
میلاد
* آق کمال، خدمتم تموم شده، بیکارم، تو شرکتت می تونی ما رو هم استخدام کنی؟!
رفیقت امیر
* آق کمال بزرگ‌ترین هدف تو زندگی چیه؟
امیر براتی
آق کمال: مویگ دوست به اسم امیر دشتم که گمش کردم، حالا هم هرچی امیر روزنامه ره مخوانن به موپیام مدن!
* همشهری سلام؛ امیدوارم مارپیچ هایت سخت باشد ولی سمّی نباشد!
* از روزنامه وزین خراسان تعجب کردم بابت مطلبی در زندگی سلام که به بیان نکاتی درباره تماشای فیلم‌های با شوخی‌های مثبت ۱۸ پرداخته است. به جای بیان این نکات بهتر نیست از تهیه و دادن مجوز به این فیلم‌ها انتقاد کنید و خانواده‌ها و افراد را از تماشای این فیلم‌ها به شدت برحذر دارید؟ اصلا مگه تو ماه صفر، این آثار اجازه پخش دارن؟!
ماوشما: این فیلم‌ها اکنون اکران می شوند و وظیفه صفحه خانواده ماست که به والدین آموزش دهد چنان چه در فیلمی با این نوع شوخی‌ها مواجه شدند، چگونه و با روش درستی به کنجکاوی فرزندشان در این باره پاسخ بدهند.
* محیا جان، ۹ آبان تولدت مبارک.
مهدیه اسعدی

* امروز باران رحمت خداوند بر جسم مرده‌ام بارید. زشتی و تباهی و کینه و بدبختی رو از تنم شست و زیباترین‌ها رو در دلم روشن کرد. امروز من تصمیم گرفتم ترک کنم؛ اعتیادم رو. امروز واقعا با همه درد و سختیش بهترین روز زندگیم بود. چون لبخند و اشک شوق را در لبان و چشمان عزیزانم دیدم. چقدر راه را بیراهه رفته بودم. فقط یک یا حسین(ع). **وحید.ع**
* آخرش دنیای نامرد، دست ما دو تا رو از همدیگه وا کرد، مثل خوابی بودی انگار، یکی اومد منو از خوابت بیدار کرد. همیشه به یادتم. **س.ع.ز.**
* جواب آزمون هوش (تشخیص سن) ۲۵ میشه. **هانیه سادات زارع ۱۱ ساله، مشهد**
ماوشما: ممنون از هانیه خانم، البته همیشه پاسخ آزمون هوش رو تو صفحه می زنیم.
* آخییی... چه جوجه تیغی های ناز گوگولی تو دنیا به روایت تصویر بودن.
* آق کمال؛ امیدوارم چراغ های زندگیت همیشه سبز باشد!
آق کمال: ایشالا چراغ زندگی همه سبز باشه و کسی هم قرمز رد نکنه!
* در ستون قرارمدار نوشته بودید نفس عمیق بکشیم، ای کاش می شد توی این هوای آلوده نفس عمیق کشید!
* دختر قشنگم زهرا جون، ۷ آبان تولد ۹ سالگیت مبارک باشه. یه دنیا دوستت دارم عزیزم. **مامانت اکرم حسینی**
* زندگی دوبر گردان ندارد و عمر انسان دوبار تجربه نمی شود. شاد و سالم و هدفمند و امیدوار و عاقلانه عمر را تجربه کنید.
* آق کمال؛ چرا جدول کلمات متقاطع روزنامه جای ثابت و دائمی ندارد؟!
آق کمال: بری که اسمش روشه، هر روز یگ صفحه ره قطع میکنه!
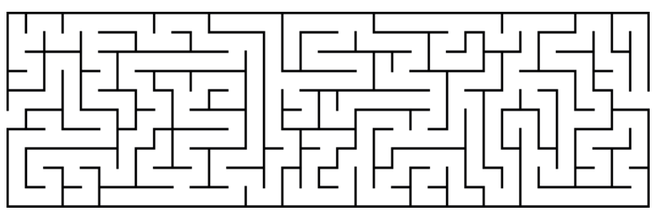
مارپیچ (سختی ۵۰٪)